

نصر الله حافظ شاعر مردمی

هم به ابدیت پیوست

چقدر درد آور و مایه تآثر و اندوه است که جامعه فرهنگی افغانستان در کوتاه مدتی دو شخصیت فرهنگی اش را از دست می دهد . در هفته گذشته خانم لطیفه کبیر سراج نخستین گوینده طبقه اناث رادیو افغانستان در کشور امریکا به جاودانگی پیوست و شام پنجشنبه گذشته ، هم نصر الله حافظ شاعر مردمی که بیشتر از پنجاه سال در شعبات مختلف رادیو افغانستان ایفای وظیفه می کرد در افغانستان جهان فانی را وداع گفت .

از نصر الله حافظ یاد می کنیم از سخنوری که مزه فقر را چشیده بود و محرومیت مدت ها و بار ها برویش سایه افکنده بود ولی او با همه مشکلات که در مقابلش قرار داشت ایستاده گی کرد و مانند نخل برومندی ایستاده ماند، با وزش هیچ تند بادی تکان نخورد و با پاکیزه گی زنده گی کرد . او انسانی بود آرام ، قانع ، متواضع بزرگمنش و وارسته .



نصر الله حافظ در سال 1310 هجری خورشیدی در قریه چپرهار ولایت ننگرهار متولد شد دوره ابتدایی مکتب را در زادگاه اش به پایان رسانید و جهت ادامه تحصیلات به کابل آمد . بعد از فراغت تحصیل مدتی من حیث آموزگار ایفای وظیفه نمود و بعدا همکار مسلکی مجله ویسا شد . در سال 1339 به رادیو افغانستان شامل کار شد و بیشتر از پنجاه سال در شعبات مختلف رادیو افغانستان ایفای وظیفه می کرد تا بالاخر در سال 1374 به

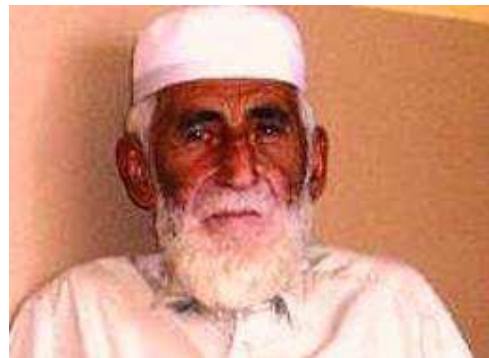
تقاعد سوق گردید و لی باز هم با اداره هنرو ادبیات رادیو تلویزیون افغانستان همکاری اش قطع نگرید .

نصر الله حافظ از ایام جوانانی تا آخرین لحظات زنده گی با شعر زنده گی کرد اشعار حافظ مردمی ، ساده ، روان و عام فهم است، زیرا خودش از میان مردمش برخاسته بود ، غم و درد ورنج مردمش را به تمام وجودش درک می کرد . چون سروده هایش علاقمندان زیاد داشت تعداد کثیری از هنرمندان رادیو تلویزیون افغانستان اشعار حافظ را در لابلای پرده های ساز سروده اند که در آرشیف رادیو تلویزیون افغانستان موجود می باشد .

در گذشته ها در رادیو افغانستان قرار به این بود، هر هنرمندی که می خواست آهنگی را در استدیوهای رادیو ثبت نماید نخست بایست شعر آهنگش را اگر به زبان پشتو می بود از نظر حافظ صاحب واگر فارسی دری می بود از نظر آقای ناصر طهوری گذشتانده بعدا آهنگ شان ثبت می شد ومحترم حافظ صاحب درقسمت اصلاح اشعار هنرمندان خیلی های زحمت می کشید ونمی خواست اشعار نادرست ومبتذل ازطریق رادیو به نشر برسد.

مرحوم نصر الله حافظ هیچ گاهی حاضر نشد برای گرفتن چوکی ومقام درمقابل آمرین خویش سر خم نماید تاکه به خاطر دارم همیشه سمت معاونیت اداره های رادیو را برایش واگذار می شدند باوجود لیاقتی که داشت هیچ گاهی به چوکی مدیریت عمومی در رادیو تلویزیون افغانستان تکیه نکرد . گرچه اکثر روسای رادیو تلویزیون افغانستان پشتو زبان بودند ولی هیچ وقت برای نصرالله حافظ کار شایسته انجام ندادند حتی نام نصر الله حافظ منحيث یک شاعر پشتو زبان در کتاب که توسط عبدالروف بینوا تحت نام « اوسنی لیک وال » که درسال 1388 خورشیدی مطابق 2009 میلادی اقبال چاپ یافته دیده نمی شود آقای بینوا سالها منحيث رئیس نشرات رادیو افغانستان کار کرده و حافظ صاحب در اداره هنرو ادبیات رادیو ایفای وظیفه می کردند وبا یکدیگر شناسایی کامل داشتند. نصرالله حافظ از چند ساله بدین سو بیمار شد ومجال فعالیت های فرهنگی را نداشت تا بالاخر شام روز پنجشنبه 23عقرب 1392 مطابق 14 نوامبر 2013 میلادی دربیمارستان چارصد بستر داعی اجل را لبیک گفت . جناب استاد پرتو نادری در حالیکه وفات نصرالله حافظ را یک ضایعه فرهنگی می خواند چنین می نویسد :

..و نصرالله حافظ هم رفت، سفرش مبارک باد! ما همه گان پای در رکابیم، این کاروان را سر باز ایستادن نیست. در چند سال اخیری بیماری زمین گیرش کرده بود، شاعر ، نویسنده و خبرنگار و برنامه ساز رادیو، عمری برای زبان و ادبیات پشتو خدمت کرد ، اما زمانی که بر بستر بیماری افتاد، دیگر به فراموشی سپرده شد، از دولت گله یی نیست، نمی دانم چرا فکر می کنم که فرهنگیان کشور و به گونه خاص فرهنگیان پشتون نیز او را آن گونه که شایسته بود تیمار داری و مدد رسانی



نکردند! من باری جایی گفته بودم که ما وابسته گان قلم و نوشتن همه گان از یک قبیله شریف هستیم و آن قبیله همان قبیله قلم است. قلم که خداوند به آن سوگند یاد کرده است. تا به یاد دارم و تا خوانده ام و شنیده ام در این سرزمینی همیشه فرهنگیان همین گونه خاموش شده اند در تنهایی در انزوا در فقر، نمی دانم چرا خداوند سرنوشت این جماعت بی آزار را در این سرزمین این گونه رقم زده است. شب در خبر های تلویزیون ملی دیدم که وزیر اطلاعات و فرهنگ به شفاخانه چارصد بستر رفته ،به دیدار نصرالله حافظ، در حالی که دیگر حافظ با خودش بود، نه سخنی روی لب داشت و نه هم نگاهی در چشمان! چنین است پاسداری مقام ها از شخصیت های فرهنگی ما!

زبان ، شعر و ادبیات پشتو با خاموشی نصرالله حافظ یکی از خدمت گزاران و نام آوران خود را از دست داد. روانش شاد باد! روزگاری با هم ، هم کار بودیم ، او شخصیتی بود مهربان ، پرکار و قلندرمنش، باغ های بهشت جایگاهش باد !روانت در آرامش باد دوست سفر کرده ای من!

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هردم جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها!

بلی ، چنین است وزارت اطلاعات وفرهنگ و رادیو تلویزیون ملی همیشه بعد از مرگ هنرمندان و فرهنگیان القاب بلندبالای برای شان نثار می کنند در حالیکه دیگر در این دنیا حضور ندارند ودادن

چنين القاب برآى شان سوى نداشته و خشنود شان نمى كند . ويا اين كه برنامه هاى خاص راديو و تلويزيوني « مشعل داران هنرو فرهنگ » و يا « ترازوى طلايى » را با طمطران انتشار مى دهند .

دست اندركاران وبسايه رنگين وفات محترم نصرالله حافظ را به تمام فرهنگيان كشور تسليت گفته روح اش را شاد مى خواهند خداوند بيمرزدهش. واين چند سطر را با نشر يك غزل از اين شاعر فرهيخته ومردمى به پايان مى بريم :

چي يي زلفي په مستي راواړولي	په ناز سترگوليوني راواړولي
ما ادم باندي د مرگ د خوارۍ خاوري	دي د حسن دُرځاني راواړولي
چي پايماه يي زما د زړه ورشو كړه	كوم بڼكاري دا غرځني راواړولي
چي په تورو پېغلو سترگو يي ستي كړم	تبرې شپې يي د ځواني راواړولي
تر قيامته ساقې ستا په ميو مست يم	چي پيالي دي بېگاني راواړولي
شوم تورن يي چي په تورو تورو سترگو	مينې ستا دا دېنمنۍ راواړولي
ما ويل، چي به ساز نوي نغمه راوري	تا ټپي پرې پخوانۍ راواړولي